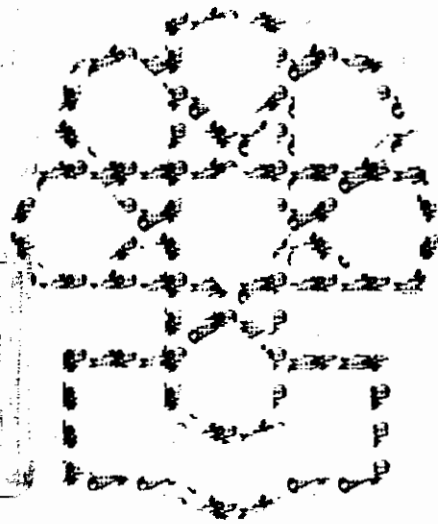




درباره لایحه اساسنامه شرکت سهامی مخبرات استان ...



مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی
شماره: ۷۲۵۲
تاریخ: ۱۰/۱۵/۷۷

معاونت پژوهشی
شهریور ماه ۱۳۷۴

کار: دفتر بررسیهای حقوقی

کد گزارش: ۲۰۰۰۸۷۳

اساسنامه شرکت سهامی مخبرات استان ...

عنوان لایحه

شماره ترتیب چاپ: ۱۵۷۸-۱۶۰۲
شماره چاپ سابقه: —
شماره دفتر ثبت: ۵۰۷ الی ۴۸۳
تاریخ چاپ: ۱۳۷۴/۴/۲۷
کمیسیونهای ارجاعی: مشترک امور اداری و
استخدامی و امور پست و تلگراف و تلفن

مشخصات لایحه

به عنوان مداخلی بر بحث اشاره به یک مطلب ضروری می‌نماید و آن اینکه در قرن حاضر متفکرین اقتصادی بر این باورند که سیستم اقتصاد دولتی فاقد کارایی لازم است؛ زیرا انحصار تمامی امور در دست دولت و حذف یا محدود نمودن فعالیت بخش خصوصی این پیامد را خواهد داشت که دولت به علت افزایش مسؤولیت‌هایش و در مقابل محدود بودن امکاناتش توان اداره و پیشبرد اقتصاد کشور را به نحو مطلوب نداشته باشد. از سوی دیگر، بخش خصوصی که دارای انگیزه، ابتکار و نقش مثبت در کلان اقتصاد کشور است کنار گذاشته می‌شود و در کل از روند سریع و مطلوب رشد و توسعه اقتصاد کشور جلوگیری می‌شود. لذا، در دنیای امروز اگرچه نسبت به نقش نظارتی دولت در اقتصاد تردیدی نیز وجود ندارد لیکن نسبت به عدم مطلوبیت انحصار اقتصاد کشور در دست دولت نیز تردید وجود ندارد.

اندیشمندان اقتصادی در زمان حاضر قائل به مشارکت بخش خصوصی تحت نظارت دولت هستند. اقتصاد آزاد و کاملاً سرمایه‌داری و خصوصی و نیز اقتصاد دولتی تنوریهایی هستند که دیگر حامیان چندانی ندارند. لذا در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام اقتصادی به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده است.

متهمی هنوز دخالت دولت در اقتصاد ایران نسبت به بخش خصوصی بسیار بیشتر است و مطلوب است که این دخالت کمتر شده و برای مشارکت بخش خصوصی سهم بیشتری در نظر گرفته شود. در راستای نیل به این هدف در برنامه اول و به خصوص برنامه دوم پنجساله سیاست تمرکز زدایی و خصوصی‌سازی یا به تعبیر بهتر، مشارکت بخش خصوصی با سهمی بیشتر دنبال شده است. از جمله تبصره‌های ۲، ۳۲، ۳۳، ۳۹ و ۴۱ برنامه پنجساله دوم به مسأله تمرکز زدایی و خصوصی‌سازی پرداخته است که به جهت پرهیز از تطویل کلام از نقل همه آنها خودداری می‌شود و تنها عین عبارت تبصره ۴۱ ذکر می‌گردد:

«به منظور جلب مشارکت بیشتر بخشهای خصوصی و تعاونی در امور عمومی و خدمات اجتماعی، تولید، اشتغال، تجارت، تحقیقات و نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات زیربنایی و عمومی، دولت موظف است با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی و مصالح عمومی فعالیت‌های یاد شده بخشهای دولتی را به بخشهای خصوصی و تعاونی واگذار کند و برای فعالتر شدن این بخشها تدابیر و اقداماتی از قبیل اصلاح مقررات، ارائه تسهیلات بانکی، تکمیل سرمایه‌گذاری زیربنایی، توسعه و تسهیل ارتباطات و همچنین ترویج تشکلهای و ساختارهای صنعتی، تحقیقاتی و پیمانکاری اتخاذ نماید...»

این مطلب همچنین در ماده ۷ اصلاحی قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران (اصلاحی ۷۳/۲/۶) نیز منعکس است. ماده مزبور چنین مقرر می‌دارد که: «شرکت می‌تواند در اجرای وظایف مقرر در این قانون با استفاده از سرمایه خود یا با مشارکت بخش دولتی و غیر دولتی مؤسساتی را به صورت شرکت سهامی تشکیل دهد...»

اکنون لایحه اساسنامه شرکت‌های مخابراتی استانها در راستای سیاست تمرکز زدایی و نیز واگذاری امور به بخش غیر دولتی و به خصوص همانگونه که در مقدمه توجیهی لایحه آمده است در اجرای ماده ۷ اصلاحی مزبور تقدیم مجلس شده است.

یکی از گامهای مؤثر برای تمرکز زدایی از بافت فعلی شرکت مخابرات، استانی کردن شرکت مخابرات می باشد. چنانچه در هر استان، شرکت مخابراتی خاص همان استان تشکیل گردد و تصمیمات در داخل هر استان اتخاذ گردد، سرعت عمل در انجام امور باید بیشتر شود.

لازم به ذکر است که مفاد ماده ۷ اصلاحی و نیز لایحه تقدیم شده مبین خصوصی سازی به معنای واگذاری کامل به بخش خصوصی و استقلال بخش خصوصی نیست بلکه منظور مشارکت بخش خصوصی است با این نظر که شاید در آتیه در اثر ایجاد زمینه های مناسب واگذاری کامل میسر گردد.

اظهار نظر کارشناسی

مقدمتاً لازم به ذکر است که با توجه به شباهت اساسنامه شرکت مخابرات هر یک از استانها، از تکرار متن آنها خودداری شده است. همچنین، از آنجا که تقدیم لایحه مزبور به مجلس اقدامی است در راستای سیاستهای برنامه دوم پنجساله مبتنی بر مشارکت بخش غیردولتی در اقتصاد کشور، و از آنجا که سیستم مخابراتی از جمله مهمترین وسایل ارتباطی است و به تعبیری ارتباطات بستر توسعه اقتصادی و اجتماعی می باشند، لذا با ظن قوی می توان گفت که گسترش شبکه مخابراتی کشور با مشارکت بخش دولتی و نیز غیردولتی سرعت بیشتری خواهد یافت و موجب رشد و توسعه بیشتر در کلان اقتصاد کشور خواهد شد. بنابراین، تقدیم لایحه مزبور به مجلس در کل مبتنی بر مصلحت است و دارای توجیه معقول و منطقی می باشد. با وجود این در ارتباط با بعضی از مواد اساسنامه ایرادهایی به شرح ذیل به نظر می رسد:

الف: مطلب نخست این است که در ماده ۱ لایحه حاضر، نوع شرکت، سهامی معرفی شده اما مندرجات اساسنامه مبین این است که این نوع از شرکتها با اصول و مقررات حاکم بر شرکتهای سهامی، اعم از عام و خاص، منطبق نیستند. مطابق ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: «در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از ۳ نفر کمتر باشد.» در حالی که مطابق ماده ۶ لایحه اساسنامه شرکت مخابرات استان...، شرکت مزبور فقط یک سهامدار دارد و آن شرکت مخابرات ایران است.

مجمع عمومی نیز متشکل از افراد مشخصی است که به عنوان نماینده قانونی صاحب سهم هستند. به نظر می رسد هدف تنظیم کنندگان لایحه این بوده است که راهی برای مشارکت بخش خصوصی بیابند، به این صورت که بخشی از سرمایه های شرکت را در قالب سهام به افراد و نهادهای غیردولتی واگذار نمایند. این مطلب اگرچه صحیح است اما به تنهایی موجب نمی شود که شرکت عنوان سهامی به خود بگیرد، در راه کار پیشنهاد می گردد:

اول آنکه کلمه «سهامی» از اسم شرکت حذف شود و شرکت مخابرات به صورت شرکت دولتی تلفی گردد. در این صورت نیازی به رعایت مقررات شرکتهای سهامی در مورد این قبیل شرکتها نخواهد بود. بدیهی است در این صورت واگذاری بخشی از سهام شرکتهای مخابرات استان به بخش خصوصی غیر ممکن خواهد شد.

دوم، در صورتی که در نظر باشد در آینده نزدیک بخش خصوصی در بخش مخابرات مشارکت فعال نماید و بخشی از سهام شرکتهای مخابرات استان نیز به بخش خصوصی واگذار گردد، توصیه می شود شرکتهای مخابرات استان، به صورت شرکت سهامی که سرمایه آن به سهام مشخص تقسیم می شود و

سهامداران آن حداقل ۳ نفر می باشند، تبدیل گردد. در این صورت مقررات مربوط به شرکتهای سهامی قانون تجارت رعایت شده است و امکان مشارکت بخش خصوصی نیز در این زمینه فراهم می گردد. لازم به ذکر است که مطابق اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پست و تلگراف و تلفن داخل در بخش دولتی قرار گرفته است. با وجود این شاهد هستیم برخی دیگر از فعالیتهایی که در صلاحیت بخش دولتی قرار داشته است از قبیل هواپیمایی، کشتیرانی و راه آهن به بخش غیر دولتی واگذار شده است. مضافاً آنکه، مطابق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶*، شرکت دولتی به شرکتهای اطلاق می شود که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. شایان ذکر است که شرکت سهامی در تعریف قانون تجارت شرکتهای است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسوولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی است (ماده ۱ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

ب: در ماده ۱۱ لایحه حاضر اعضای مجمع عمومی چهار نفر ذکر شده و در ماده ۱۳ نیز نحوه تشکیل جلسات و نیز اکثریت لازم برای اتخاذ تصمیم تابع اساسنامه شرکت مخابرات ایران مصوب اسفندماه ۱۳۵۰ قرار داده شده است. طبق ماده ۹ اساسنامه شرکت مخابرات جلسات مجمع عمومی با حضور تمامی اعضا و یا حداقل یک عضو و دو معاون رسمیت خواهد یافت و کلیه تصمیمات با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. نکته ای که قابل تأمل است این است که اگر ماده فوق تصمیمات مجمع عمومی را تابع اکثریت قرار می دهد به دلیل این است که تعداد اعضای مجمع عمومی شرکت مخابرات ایران سه نفر است. از این رو، رسیدن به اکثریت آرا در همه موارد مقدور است و در نتیجه مشکل تساوی آرا پیش نمی آید. در حالی که، تعداد اعضا مجمع عمومی شرکت مخابرات استانی چهار نفر است و این وضعیت از حیث اتخاذ تصمیم تولید مشکل می کند. زیرا بین چهار نفر ممکن است تساوی آرا پیش آید و برای وضعیت تساوی آرا نه در اساسنامه شرکت مخابرات حکمی آمده و نه در اساسنامه شرکت مخابرات استانی. لذا پیشنهاد می شود برای رفع این مشکل باریتس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت مخابرات (که هر دو سمت در یک نفر جمع است) ایران از تعداد اعضای مجمع عمومی کاسته شود (زیرا، با وجود وزیر پست و تلگراف و تلفن چندان نیازی به حضور مدیر عامل شرکت مخابرات نیست)، یا اینکه مدیر عامل شرکت مخابرات استانی ... نیز به تعداد اعضا اضافه شود. در صورت عملی شدن یکی از این دو پیشنهاد مشکل تساوی آرا از بین خواهد رفت.

ج: مطلب دیگری که در ارتباط با ماده ۱۱ وجود دارد این است که در تبصره ۴ از ماده ۱۴ به شرکت اجازه داده شده است که بخشی از سهام خود را به بخش غیردولتی واگذار نماید. در این صورت صاحبان سهام جدید حق دارند که در مجمع عمومی حاضر شوند و هیچ کس نمی تواند مانع این امر شود. قانون تجارت نیز در تأیید این حق در ماده ۲۵۳ (مربوط به شرکتهای سهامی) ممانعت از حضور سهامداران در مجمع عمومی را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات مشخص نموده است. لیکن به نظر می رسد مطلب فوق

*- ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور: شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه گذاری شرکتهای دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکتهای دولتی است، شرکت دولتی تلقی می شود.

با ظاهر ماده ۱۱ در تعارض است، زیرا ظاهر ماده ۱۱ این است که ترکیب فعلی مجمع عمومی با الحاق سهامداران جدید به هم نخواهد خورد. البته چنانچه اساسنامه مزبور به تصویب کمیسیون پیش بینی شده در ماده ۷ اصلاحی قانون تأسیس شرکت مخابرات برسد دارای اعتبار قانونی خواهد بود و به عنوان یک قانون عادی ماده ۲۵۳ قانون تجارت (در خصوص شرکتهای سهامی) را تخصیص خواهد زد. به این ترتیب، اگرچه تعارض بر طرف می‌گردد لیکن دیگر سهامداران خصوصی هیچگاه امکان مداخله در امور شرکت را نخواهند داشت، حتی اگر ۹۰ درصد سهام شرکت را دارا باشند. این امر با هدف سیاست خصوصی سازی تباین دارد. لذا پیشنهاد می‌شود امکان حضور سهامداران در مجمع عمومی پیش‌بینی شود

د: نکته دیگری که قابل تأمل می‌نماید این است که در ماده ۱۱ وزیر امور اقتصادی و دارایی و نیز رئیس سازمان برنامه و بودجه به نمایندگی صاحب سهم به عنوان اعضای مجمع عمومی معرفی شده‌اند. لازم به ذکر است افراد مزبور عضو مجمع هستند لکن هیچ‌گونه سهامی ندارند. این امر نه تنها بر خلاف موازین حقوقی است بلکه با هدف و مصالح صاحب سهم نیز سازگار نیست. زیرا اعضای مجمع عمومی اگر خود دارای سهام نباشند معلوم نیست که در سیاست‌گذاریها مصلحت سهامداران را رعایت نمایند. لذا پیشنهاد می‌شود که به هر یک از این افراد در صدی از سهام داده شود تا ایرادات فوق بر طرف گردد.

پیشنهاد:

با عطف توجه به مباحث و مطالبی که در مقدمه گزارش آمد مبتنی بر اتخاذ سیاست خصوصی سازی و همچنین مباحث مندرج در بند ج گزارش در رابطه با لزوم حضور سهامداران در مجمع عمومی و نیز با عنایت به مفاد ماده ۲۱ لایحه قانونی مربوط به شرکتهای سهامی مصوب ۱۳۴۷ که اشعار می‌دارد: «شرکتهای سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.» و برای نیل به اهداف واقعی لایحه حاضر پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱- شرکت سهامی مخابرات استانها به صورت سهامی عام پیش‌بینی شود. این وضعیت از چند جهت به مصلحت خواهد بود: نخست اینکه شرکت مزبور جهت تشکیل می‌تواند اعلامیه پذیره نویسی صادر کند و هر درصدی که عملاً برای مشارکت بخش خصوصی مصلحت می‌داند در نظر بگیرد (تا سقف ۸۰ درصد طبق ماده ۶ قانون شرکتهای سهامی ۱۳۴۷) و چنانچه مصلحت بر این باشد که شرکت دولتی باقی بماند می‌تواند ۵۱ درصد سهام را نهادهای دولتی یا زیر مجموعه‌های وزارت پست و تلگراف و تلفن تعهد نمایند. ثانیاً از حیث ورود به بازار بورس مشکل ماده ۲۱ فوق‌الذکر نیز وجود نخواهد داشت زیرا اگر شرکت سهامی عام باشد با این شرط که سه سال سودآور باشد می‌تواند سهام خود را به بورس ارائه دهد. در حالیکه سهامی خاص چنین حقی ندارد. ثالثاً هدف مشارکت بخش خصوصی با رعایت این پیشنهاد به نحو مطلوبتری برآورده خواهد شد.

۲- با توجه به مباحث بند ج گزارش، ماده یازده به شرح زیر اصلاح شود:

«مجمع عمومی شرکت از اجتماع صاحبان سهام یا نمایندگان آنها تشکیل می‌شود.»

